

سازمان جهانی تجارت و حقوق بین‌الملل بشر

حسین شریفی طراز کوهی* سید صلاح‌الدین فاطمی نژاد**

چکیده

روند فزاینده جهانی‌شدن در عرصه اقتصاد و تجارت که به ایجاد سازمان جهانی تجارت به عنوان اصلی‌ترین سازمان مسئول مدیریت رژیم تجاری چندجانبه بین‌المللی رهنمون گشته، منشأ آثار گوناگون در زندگی آحاد مردم در سطح بین‌المللی شده و صدها میلیون انسان از حقوق بشر بنیادینی که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به عنوان «حقوق» به رسمیت شناخته شده است، محروم شده‌اند. از طرفی، حقوق بشری که در نظام حقوق بین‌الملل موضوعه برای دولت‌ها تعهد ایجاد می‌کند و یا از دولت‌ها مسئولیت می‌خواهد، برای سازمان‌های بین‌المللی نیز تعهداتی را احصاء نموده است. با مذاقه در رویه و عملکرد این سازمان آنچه پدیدار می‌گردد «متناسب نبودن» رویه سازمان جهانی تجارت با موازین حقوق بین‌الملل بشر است. این موضوع به‌ویژه در بررسی موافقتنامه‌ها و تصمیمات اتخاذی در مراجع حل و فصل اختلاف آن و همچنین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اتخاذی توسط ارکان آن و تعارض و تزامم آن‌ها با موازین حقوق بین‌الملل بشر قابل اثبات است.

واژه‌های کلیدی: سازمان جهانی تجارت، حقوق بین‌الملل بشر، جهانی‌شدن

hsharifit@yahoo.com

salahfatemi@gmail.com

* دانشیار گروه حقوق دانشگاه امام حسین(ع)

** پژوهشگر حقوق بین‌الملل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۲۰

۱. مقدمه

موضوع احترام و حمایت از حقوق بشر در عرصه اقتصاد و تجارت جهانی از مباحث نسبتاً جدید مطرح شده در حقوق بین‌الملل تلقی می‌گردد. سابقه تاریخی این موضوع ریشه در نگرانی‌ها و واکنشهایی دارد که پس از دهه ۱۹۸۰ از طرف گروه‌های فعال حقوق بشری، طرفداران محیط زیست، دانشجویان و دیگران نسبت به فرایند نوظهور جهانی شدن تجارت ابراز شد.

هم‌زمان با روند فزاینده جهانی شدن در عرصه تجارت و تحولات ساختاری مربوطه، در حوزه حقوق بشر نیز دگرگونی‌های زیادی رخ داده، حقوق بشری که در نظام حقوق بین‌الملل موضوعه برای دولت‌ها تعهد ایجاد می‌نماید و یا از دولت‌ها مسئولیت می‌خواهد برای سازمانهای بین‌المللی نیز تعهداتی را احصاء نموده و از آنها نیز مسئولیت رعایت آن تعهدات و الزامات حقوق بشری را خواستار است. با عنایت به تحول ساختاری ایجاد شده در ساحت حقوق تجارت بین‌الملل از یک طرف و تحولات و دگرگونی‌های هنجاری متجلی در حوزه حقوق بین‌الملل بشر از طرف دیگر، امروزه یکی از مهمترین ملاک‌های تداوم فعالیت‌های سازمان جهانی تجارت چگونگی رویکرد و نگرش آن به مسائل حقوق بشر است.

از آنجا که همه اعضاء سازمان جهانی تجارت حداقل یکی از معاهدات بین‌المللی حقوق بشر را امضاء کرده‌اند، لذا دولت‌ها با یک وظیفه دوگانه مواجه‌اند که نه تنها بایستی تعهدات خود بر اساس هر دو مجموعه حقوق را رعایت کنند، بلکه میان آنها نیز بایستی هماهنگی ایجاد کنند تا از نقض یکی توسط دیگری اجتناب نمایند. از طرفی سازمان جهانی تجارت نه تنها در اسناد پایه‌ای و موافقتنامه‌های مربوط به تأسیس بلکه در تصمیمات اتخاذی در چارچوب مکانیسم حل و فصل اختلافات خود ضمن رعایت اصول و قواعد حقوق بشر، سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی اتخاذ نمایند که موجبات نقض این حقوق را فراهم سازد. لذا به دلیل ساز و کار اجرایی قدرتمند آن، دولت‌ها مجبور به اطاعت از نظم و تعهدات و الزامات تحمیلی سازمان مزبور هستند. در این میان مقتضیات

عصر جهانی شدن تجارت ایجاد می‌کند که کشورها با الگوهای سازمان جهانی تجارت هماهنگ شده و به اشکال مختلف از جمله در موافقتنامه‌ها و توافقات بین‌المللی، اصول مورد نظر را رعایت نمایند، و از طرفی رقابت کشورها در پیوستن به سازمان جهانی تجارت ضرورت رعایت موازین و الزامات مورد نظر این سازمان بین‌المللی را مضاعف می‌سازد، به طوری که سیاست‌های تجاری بین‌المللی اتخاذی توسط دولت‌های عضو سازمان جهانی تجارت نگرانی‌های حقوق بشری جدی را برانگیخته است.

با این حال به نظر می‌رسد ماهیت تصمیمات و آراء ناشی از سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی آنچنان در تعارض با موازین حقوق بین‌الملل بشر است که خلأ مقررات حاکم بر سازمان جهانی تجارت در ارتباط با ارزشهای بنیادین حقوق بشری را آشکار می‌سازد. بررسی رابطه سازمان جهانی تجارت با موازین حقوق بشر موضوع و محور این مطالعه است.

حال سؤال اساسی که در این چارچوب مطرح می‌گردد این است که: آیا سازمان جهانی تجارت متعهد به رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر است؟ نسبت میان دو حوزه حقوق بین‌الملل بشر و حقوق سازمان جهانی تجارت چگونه است؟ سلسله مراتب تعهدات معطوف به حقوق بین‌الملل بشر و تعهدات حقوق سازمان جهانی تجارت تابع چه قواعدی است؟ سازمان جهانی تجارت چه التزامی به رعایت حقوق بین‌الملل دارد؟ پاسخ به سؤالات پیش گفته هدف این مطالعه را تشکیل می‌دهد.

۲. نسبت میان حقوق سازمان جهانی تجارت و حقوق بین‌الملل بشر

در ساختار کنونی نظام حقوقی بین‌الملل، در عمل میان نظام‌های حقوقی یک سلسله مراتبی به وجود آمده که کاملاً منفک از سلسله مراتب هنجاری میان قواعد حقوقی است. برخی از نظام‌ها سازوکارهای اجرایی قوی‌تر با ضمانت اجرای عملی‌تر دارند. برخی نظام‌ها صرفاً با استفاده از سیاست شرم‌ده‌سازی در صدد اجرای مقررات خود هستند و برخی دیگر اساساً برخوردار از هیچ سازوکار اجرایی یا قضایی نیستند. مقایسه سلسله

مراتب هنجاری میان حقوق سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر با سلسله مراتب مبتنی بر واقعیت میان نظام‌ها، مقایسه‌ای نابرابر است، زیرا در سلسله مراتب عملی میان نظام‌ها، نظام سازمان جهانی تجارت با مکانیسم اجرایی و قضایی کارآمد خود از برتری مشهود برخوردار است، در حالی که ادعای برتری هنجاری حقوق بشر قاطعانه مطرح می‌شود، اما مبانی حقوق سازمان جهانی تجارت عملکرد دولت‌ها را تحت سیطره خود قرار داده است (هستر میر، ۱۳۹۱: ۳۲۱). از طرفی وجود تعارض میان نظام‌ها یکی از تبعات ضروری ساختار فعلی حقوق بین‌الملل است. اعمال تفکیک میان نظام‌ها، فی‌نفسه دارای منافی است که از آن تحت عنوان «منافع تخصصی شدن» نام می‌برند. امر تخصصی شدن می‌تواند به گونه‌ای صورت پذیرد که منجر به تقویت یک نظام شود که در برگزیده موضوعات مهم‌تری است و عمده تمرکز را صرفاً بر آن موضوعات قرار دهد، به طوری که در عمل منجر به تضعیف یک سازوکار اجرایی ضعیف‌تر شود. تعارض میان نظام‌ها را می‌توان در مناسبات میان نظام تجاری جهانی و نظام حقوق بشر دریافت (Howse, 2002: 565). حقوق بشر و مقررات تجاری از نظر چگونگی شکل‌گیری اختلافاتی با یکدیگر دارند، در حالی که حقوق بشر به شیوه تصویب جامع و بلند پروازانه قواعد محکم و آرمان‌گرایانه ایجاد گردیده، لیکن این مسئله صرفاً در خصوص چارچوب و اصول بنیادین نظام چندجانبه تجاری موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و سازمان جهانی تجارت مانند اصل منع تبعیض و شفافیت صدق می‌کند.

از نظر مفهومی، حقوق بشر و قوانین تجاری از لحاظ ذات حقوقی با یکدیگر تفاوت دارند. حقوق بشر حقوقی فردی و مربوط به اشخاص است. آن‌ها این قابلیت را دارند یا باید داشته باشند که توسط افراد در برابر مقامات دولتی مورد استفاده قرار گیرند. از طرف دیگر قواعد تجاری حقوقی مربوط به دولت‌ها قلمداد می‌گردد که می‌توانند از جانب متصدیان خصوصی اعمال شوند. از طرفی حوزه‌های حقوق بشر و تجارت کاملاً به همدیگر وابسته‌اند و در بسیاری از موارد هم‌پوشانی دارند. تحقق حقوق بشر از جمله حقوق سیاسی و مدنی از یک طرف و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طرف

دیگر به تولید ثروت و دسترسی به منابع بستگی دارد که از تجارت حاصل می‌شود. موضوع آشکار این است که یکی بدون دیگری نمی‌تواند باشد، به‌ویژه در چارچوب جهان جهانی شده امروز. از طرفی نظام سازمان جهانی تجارت مشتمل بر دو نوع قاعده متفاوت است. موافقتنامه سابق گات هنوز هم محور اصلی این نظام است که دولت‌ها را از انجام برخی اقدامات از جمله محدودسازی‌های کمی منع می‌کند. برخی از حقوقدانان معتقدند ماهیت تعهدات سازمان جهانی تجارت دو طرفه است یا اینکه واجد خصیصه بنیادین است، زیرا اولاً ماهیت دو طرفه تجارت و دسترسی به بازار ایجاد می‌کند که دسترسی به یک محصول از کشور (الف) به بازار کشور (ب) میسر شود. دوم اینکه تجارت، ابزاری برای افزایش رفاه و بهبود وضع زندگی است. سوم امتیازاتی که در چارچوب سازمان جهانی تجارت اعطا می‌شود غالباً جنبه دو طرفه دارد و سپس به صورت چندجانبه درمی‌آید. چهارم تعهدات سازمان جهانی تجارت در خصوص حل و فصل اختلافات منحصراً جنبه دو طرفه دارد که بر طبق آن، یک دولت می‌تواند در خصوص بطلان یا نقصان منافع ناشی از اقدامات دولت دیگر اقدام به طرح شکایت نمایند. دسته‌ای دیگر از قواعد حقوقی سازمان جهانی تجارت، مستلزم اقدامات فعالانه دولت‌ها است. آن‌ها باید گام‌های مؤثری جهت انطباق قوانین و مقررات داخلی خود با این موازین بین‌المللی بردارند و زمینه مناسب را جهت یکپارچه‌سازی مثبت فراهم نمایند. این قواعد در زمره تعهدات بنیادین قلمداد می‌شوند. نکته مهم اینکه هیچ‌یک از دو دسته قواعد مذکور، قواعد آمره محسوب نمی‌شوند. فرهنگ حاکم بر حقوق تجارت نشان می‌دهد که به دشواری می‌توان قواعدی نظیر قواعد آمره را بر آن تحمیل نمود (هستر میر، ۱۳۹۱: ۳۱۸). لذا به نظر می‌رسد قوانین تجارت آزاد و حقوق بشر هر کدام بر مبنای ارزشهای مشخصی شکل گرفته و توسعه یافته‌اند، در نگاه نخست از لحاظ مبانی و اهداف دو حوزه مجزا به نظر می‌رسند. در بررسی اجمالی ظاهراً هر دوی آن‌ها در پی اهداف کمابیش مشابهی هستند و آن هدف والای تأمین رفاه و آسایش نوع بشر است، اما هر یک به شیوه خود در پی تحقق این مهم هستند. از سویی دیگر عده‌ای معتقدند هیچ‌یک

از این دو نظام در تحقق اهداف خود موفق نخواهند بود مگر در همسویی با یکدیگر. با این حال اغلب گفته می‌شود که حقوق بین‌الملل بشر و حقوق تجارت بین‌الملل در جدایی کامل، تکامل پیدا کرده‌اند. عدم وجود ارتباط میان این دو حوزه که هر دو اعمال دولت را زیر نظر دارند و حد و مرزهایی را مشخص و الزاماتی را ایجاد می‌کنند، تا حدودی به ساختار اولیه حقوق بین‌الملل که حقوقی از هم گسیخته بوده است، مربوط می‌شود (Petersmann, 1991:201). در گام نخست، قواعد حقوق بشر و تجارت بر مبنای حاکمیت قانون، مقرر می‌دارند که تا چه میزان دولت‌ها در مقام قانون‌گذاری و اجرا از آزادی عمل برخوردارند و آن‌ها در این زمینه محدودیت‌هایی را وضع نموده‌اند. مجموعه کلاسیک حقوق بشر از یک طرف و اصول بنیادین نظام چندجانبه تجاری از طرف دیگر هدف مشابهی را دنبال می‌کنند و آن محدود نمودن قدرت عمل و تصمیم‌گیری دولت‌ها است (Normand, 2002:167).

با این حال، پژوهشگران این عرصه به وجود یک رابطه پیچیده میان این دو حوزه از حقوق بین‌الملل اذعان دارند. پایان جنگ جهانی دوم به عنوان یک نقطه عطف، آغاز جنبش حمایت بین‌المللی حقوق بشر و پایه‌ریزی بنیادهای نظم اقتصادی بین‌المللی واقعی، فرصت بی‌نظیری را فراهم نمود تا گام مهمی در راستای نظم بین‌المللی یکپارچه از طریق برقراری ارتباط میان دو حوزه برداشته شود. زیرا تصویب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و اعلامیه جهانی حقوق بشر در دوره زمانی مشابهی یعنی نظم پس از جنگ جهانی دوم رخ داده است.

با پایان ناگهانی جنگ سرد در ۱۹۹۰-۱۹۸۹ هر دو شاخه حقوق بین‌الملل نه تنها آماده یک خیز بزرگ بلکه برای نخستین ارتباط شایسته بودند، در دو طرف، دو حادثه این فرایند ارتباط سازی را تسریع بخشید. در یک طرف حقوق تجارت بین‌الملل سازمان جهانی تجارت را ایجاد نمود و در حوزه حقوق بشر نیز علایق جدیدی برای حقوق اقتصادی و اجتماعی پدیدار شد. به طور عمده در خصوص رابطه میان حقوق بین‌الملل

بشر و حقوق تجارت بین‌الملل دو رویکرد اتخاذ شده است: یکی رویکرد ایجابی یا مثبت و دوم رویکرد دفاعی یا منفی.

۲.۱. رویکرد اثباتی

این رویکرد به تعامل میان حقوق بین‌الملل بشر و سازمان جهانی تجارت می‌پردازد. مطابق دیدگاه مثبت، حقوق تجارت به عنوان ابزاری برای رعایت بیشتر حقوق بشر تلقی می‌شود. در میان اقتصاددانان در این مورد که تجارت بین‌الملل به عنوان پیش‌نیاز مهم تقسیم‌کار بین‌المللی باعث افزایش رفاه می‌شود، اجماع بسیار زیادی وجود دارد. از طرف دیگر، رفاه بیشتر، پایه و اساس مهمی برای حمایت مطلوب از حقوق بشر ایجاد می‌کند، به‌ویژه وقتی که حقوق مثبت یعنی حقوق نسل دوم یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد نظر باشد. بر همین منوال، مرزهای باز نه تنها اجازه مبادله آزاد کالا را می‌دهد بلکه به جریان آزاد عقاید و افکار کمک می‌کند تا محیطی مناسب برای تقویت بیشتر حقوق بشر ایجاد گردد. حاصل کلام اینکه استفاده مثبت از ابزارهای تجاری برای ارتقاء اهداف حقوق بشری هنوز هم یک رهیافت معتبر است. بر این اساس حمایت از حداقل پاره‌ای از حقوق بشر، به‌ویژه حمایت از مالکیت، پیامدهای زود هنگام مثبتی بر تجارت آزاد داشته است. بسیاری از دیگر حقوق بشر، آثار مثبت فوری بر ارتقاء تجارت بین‌الملل دارند. آغاز حمایت از حقوق بشر بنیادین طیف وسیعی از حق بر حیات، تا حق بر رسیدگی عادلانه و حق بر اجتماعات را در بر می‌گیرد و هیچ ماده حقوق بشری وجود ندارد که نتواند در رابطه با پیشبرد تجارت آزاد مثبت باشد (Hilpold, 2007: 493). بنابراین به طور کلی یک رابطه مثبت میان حمایت از حقوق بشر و تجارت بین‌الملل وجود دارد و از یک دیدگاه کلی‌تر می‌توان گفت که حمایت از حقوق بشر، یکی از بهترین مؤلفه‌هایی است که مشروعیت یک نظام حقوقی را بیان می‌کند. بررسی ابعاد مختلف تعامل مثبت میان حقوق بشر و حقوق تجارت بین‌الملل به تبیین موضوع کمک بیشتری می‌کند.

۲.۱.۱. تحقق اهداف حقوق بشری از طریق ارتقاء رفاه مادی: یکی از مناقشه آمیزترین موضوعات، بهره‌گیری از اقدامات تجاری برای تقویت حقوق بشر یا استانداردهای اجتماعی است. بر اساس این رویکرد، رابطه میان تجارت و حقوق بشر به نظر ماهیتی مثبت دارد. برای مثال ابزارهای تجاری می‌توانند برای پیشبرد حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرند، بدین معنی که در درازمدت مراعات قواعد تجاری بین‌المللی می‌تواند در جهت احترام به رعایت حقوق بشر نقش اساسی ایفا کند. از نظر طرفداران این رهیافت برای مثال، نظام حقوق مالکیت فکری به دنبال ایجاد و حفظ حقوق انحصاری مخترع و مؤلف و حقوق بشر به دنبال دسترسی عموم به آثار تحت حمایت مالکیت فکری است، لذا به نظر می‌رسد که هر دو همسو و سازگار با یکدیگر هستند. این رویکرد مورد قبول سازمان جهانی تجارت است.

۲.۱.۲. یکسان بودن ارزشهای حاکم بر حقوق بشر و بازار آزاد: قواعد حقوق بین‌الملل بشر نه تنها از دیدگاه قانونی با حقوق تجارت هم‌ردیف و هم ارزش هستند، علاوه بر این، دلایل و براهین قانونی وجود دارند که از ارجحیت و تقدم حقوق بشر بر دیگر قواعد قانونی حمایت می‌کنند. عده‌ای بر این اعتقادند که قوانین تجارت آزاد، از جمله مقررات حاکم بر سازمان تجارت جهانی و حقوق بشر هر دو بر پایه ارزشهای مشابهی همچون آزادی‌های فردی، عدم تبعیض، حکومت قانون، دسترسی به دادگاه‌ها و رسیدگی قضایی به اختلافات، ارتقای سطح رفاه اجتماعی از طریق همکاری‌های مسالمت‌آمیز بین شهروندان آزاد و تصویب قوانین ملی و بین‌المللی بنا نهاده شده‌اند. ارزش‌های غیراقتصادی قوانین حاکم بر سازمان جهانی تجارت برای حقوق بشر و رفاه شهروندان، کم‌اهمیت‌تر از نتایج رفاه اقتصادی تجارت آزاد نیست، لذا سازمان جهانی تجارت می‌تواند و باید به طور کلی پشتیبان آزادی بشری باشد نه فقط پشتیبان آزادسازی اقتصادی (پیتزمن، ۱۳۸۹: ۲۱). نکته مهم اینکه هسته مشترک میان بازار آزاد و حقوق بشر بر پایه احترام به خودمختاری فرد و تفاوت میان افراد است.

۲.۱.۳. حقوق بشری بودن ماهیت حق بر تجارت آزاد: تردیدی نیست که در دنیای امروز تجارت یک فرایند چندجانبه (جهانی) است و لازمه حیات بشری است. از طرفی حقوق اقتصادی بین‌المللی نیز یکی از ارزشهای فعلی جامعه بین‌المللی همچون حقوق بشر می‌تواند باشد و برای رفع نیازهای اقتصادی و برخورداری از حقوق اقتصادی به برقراری روابط تجاری سالم با ملت‌های دیگر جهان نیاز واقعی و غیرقابل انکاری دارد (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۸۴). لذا از این دیدگاه ماهیت حق بر تجارت آزاد حقوق بشری بوده و بر اساس این رهیافت حقوق حاکم بر حقوق بشر به قوانین سازمان جهانی تجارت مشروعیتی اخلاقی، قانونی و مردمی می‌بخشد که بسیار فراتر از توجیحات سنتی اقتصادی و سودجویانه است. این مشروعیت برای حمایت مردمی از موافقتنامه‌ها و مذاکرات آینده سازمان جهانی تجارت بسیار ضروری است. در مقایسه با دیدگاه بازرگانی سنتی و مذاکرات تجاری گذشته که بر مزایای دستیابی به بازارهای خارجی تمرکز می‌یافت، دیدگاه حقوق بشری بر مزایای آزادی فردی در تجارت داخلی و بین‌المللی و بر نیاز به حفظ حقوق شهروندان با رقابت تکمیلی و قوانین اجتماعی و زیست‌محیطی و حضور آزادانه گروه‌ها، متمرکز می‌شود (Petersmann, 1991: 12). از این رو حقوق بشر و آزادی‌های بازار در عمل یکی بوده و یکسان هستند، اگرچه از نظر فلسفی و دیدگاه حقوقی تفاوت‌های زیادی در میان آن‌ها وجود دارد.

۲.۱.۴. ارتقاء حقوق بشر در نتیجه الحاق به سازمان جهانی تجارت: بر اساس این دیدگاه در نتیجه الحاق به سازمان جهانی تجارت و به تبع آن ادغام در بازار آزاد، توسعه اقتصادی تقویت می‌شود و افراد با این ابزار مهبی آزادسازی خودشان از دولت می‌شوند (Doren, ۲۰۱۲: ۵۲). رعایت مقررات کپی‌رایت، مالکیت معنوی و آثار فکری، پرداخت حقوق استاندارد کارگران، مداخله یا کاهش مداخلات دولت در امور مردم و اموری از این قبیل، مسائلی است که نه تنها در اسناد سازمان جهانی تجارت بلکه در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ نیز به رسمیت شناخته شده‌اند. از نظر طرفداران این رهیافت، قوانین حاکم بر سازمان جهانی تجارت به حقوق

اساسی خدمت می‌کنند؛ یعنی از آزادی و عدم تبعیض در سرتاسر مرزها، همچنین سیستم حل و فصل اجباری اختلافات سازمان جهانی تجارت با تضمین احکام حقوقی الزام‌آور مراجع حل اختلاف و تجدیدنظر آن سازمان، حاکمیت قانون را مؤثرتر از هر سیستم معاهده‌ای دیگر جهانی و در زمانی کوتاه‌تر ارتقاء می‌بخشد (Petersmann, 1991: ۳). با این حال عضویت در سازمان جهانی تجارت به‌خودی‌خود تضمین‌کننده حکومت قانون، رعایت حقوق بشر و اصلاحات سیاسی نیست. زیرا عضویت در سازمان جهانی تجارت مستلزم اتخاذ اقدامات و سیاست‌هایی در زمینه آزادسازی تجارت و محدود ساختن دخالت دولت و خصوصی‌سازی است، در حالی که تعهدات حقوق بشری دولت‌ها مستلزم دخالت دولت برای تسهیل حقوق بشر است.

۲.۲. رویکرد انتقادی

این رویکرد به تعارض میان حقوق بین‌الملل بشر و سازمان جهانی تجارت می‌پردازد. مطابق دومین رهیافت، تجارت به طور بالقوه برای تحقق اهداف حقوق بشری مضر تلقی می‌شود. دکتین حقوق بشر هیچ‌گونه کوششی در جهت ادغام مقررات تجاری در خود به لحاظ مفهومی ننموده است. واگرایی مفهومی میان حقوق بشر و قوانین تجاری از بعد تفاوت ذاتی آن‌هاست. حقوق بشر، حقوق فردی و مربوط به اشخاص است. آن‌ها می‌توانند و یا بایستی بتوانند این قابلیت را داشته باشند که در مقابل مقامات دولتی قابل استناد باشند. بر اساس دیدگاه طرفداران این دیدگاه حقوق تجارت بین‌الملل از برخی ابعاد مخل و مزاحم ارتقاء حقوق بشر انگاشته می‌شود، زیرا از یک طرف گفته می‌شود آزادسازی تجارت مخل توسعه و پیشرفت حقوق بشر است و ضروری است که سازمان جهانی تجارت به مکان و قلمرو مناسب خود بازگردد و بسیاری خواستار برقراری توازنی بهتر در ارتباط با مسئله حقوق بشر گردیده‌اند (هستر میر، ۱۳۹۰: ۲۹۰). لذا بر اساس این دیدگاه علیرغم آثار منفی سازمان جهانی تجارت بر حقوق بشر، این دو حوزه مستقلند و سازمان جهانی تجارت جای مناسبی برای حل مسائل حقوق بشری نیست. چون نیازمند

اجماع اعضاء است و لزوماً با تخلفات عضو ناقض حقوق بشر بایستی با تنبیهات تجاری مبارزه کرد که این امر در تضاد با اهداف سازمان جهانی تجارت است. از طرفی پس از تشکیل سازمان جهانی تجارت و انعقاد موافقتنامه تریپس مسئله حمایت از مالکیت فکری به خصوص موضوع قائل شدن حق ثبت اختراع برای داروها، موجب شکل‌گیری انتقاداتی تحت عنوان دشمنی موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری با حقوق بشر گردیده است. از نظر طرفداران این رویکرد حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر به لحاظ اصول و اهداف با هم در تعارض‌اند.

به نظر می‌رسد با توسعه تدریجی تجارت جهانی و همچنین حقوق بشر و گسترش قلمرو هر دو، هم گستره این تأثیرات وسیع‌تر گشته و هم ابعاد این تأثیرات تا حدود زیادی نمایان شده است. تجربیات تاریخی در خصوص یکپارچگی اقتصادی نشان می‌دهد که با پیشرفت یکپارچگی، قواعد تجاری و حقوق بشر به ناچار بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (Alston, ۱۹۹۹: ۸۲). با این حال سه وضعیت اساسی باعث تضعیف روابط بین تجارت و حقوق بشر گشته‌اند. نخست آنکه دولت‌های ملی از یک طرف به عنوان عضوی از سازمان جهانی تجارت تعهدات خود را تقسیم‌بندی و جدا از هم کرده‌اند و از طرفی دیگر به عنوان کشورهای عضو معاهدات حمایت از حقوق بشر هستند. قطع ارتباط و تفکیک بین این حوزه‌ها، اکثر کشورها را به سهل‌انگاری و تسامح نسبت به تعهداتشان در قبال حقوق بشر هدایت کرده است، در حالی که بیشتر به تداوم مراودات تجاری می‌پردازند.

دوم آنکه کشورها اغلب نسبت به تقدم و ارجحیت حقوق بشر مطابق با حقوق بین‌الملل، سهل‌انگاری می‌کنند. در حالی که این حقوق در منشور ملل متحد و به طور خاص در اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌ویژه در مقدمه و مواد ۲۱ تا ۲۸ در زمینه حقوق اقتصادی و اجتماعی تصریح شده‌اند و مطابق ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد وظایف و تعهدات کشورها در خصوص رعایت حقوق بشر از قاعده ارج نهادن به انسان و کرامت انسانی ناشی می‌شود و نسبت به دیگر قوانین برتری دارند.

سوم آنکه سوءاستفاده از مفهوم حقوق بشر در مباحث مربوط به سازمان جهانی تجارت باعث می‌شود برخی کشورهای جنوب دچار شکاکیت و بدبینی گشته و آن را پایانی بر حمایت از تولیدات داخلی خود قلمداد کنند. این در حالی است که دوسوم کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت از کشورهای در حال توسعه تشکیل شده و شهروندان این کشورها بخش عظیمی از نتایج منفی تجارت آزاد را تجربه کرده و متحمل شده‌اند. همچنین دولت‌های این کشورها نسبت به وعده‌های کشورهای پیشرفته و ثروتمند در زمینه لحاظ کردن مسائل حقوق بشری در مذاکرات و معاملات سازمان جهانی تجارت، بی‌اعتمادند و از این موضوع هراس دارند که زمینه‌ساز اقدامات تجاری تبعیض‌آمیز گشته یا با رد ورود محصولاتشان به بازار کشورهای صنعتی مواجه گردند.

وقتی که به ارتباط میان حقوق بشر و تجارت پرداخته می‌شود، در ابتدا معمولاً این بعد منفی به ذهن خطور می‌کند. این موضوع در ابتدای امر نتیجه گسترش بیش از حد پوشش‌های سازمان جهانی تجارت در مقایسه با گات است. حوزه‌های مهمی میان حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بشر، تعارض و هم‌پوشانی دارند. این وضعیت هم در زمینه حقوق اقتصادی و اجتماعی است و هم در زمینه حقوق سیاسی و مدنی. با توجه به عدم توجه کافی به مسائل حقوق بشری در درون سازمان جهانی تجارت و از سوئی دیگر نظر به مشکل عدم وجود ضمانت اجرای مؤثر به منظور رعایت حقوق بشر موجب شده تا برای رفع این مشکل به شیوه‌ها و طرق تجاری نظیر اعمال تحریم‌های تجاری توسل شود که نه تنها شیوه‌ای مؤثری به نظر نمی‌رسند بلکه همچنین با توجه به ضوابط و قوانین سازمان جهانی تجارت موانعی فرا راه اتخاذ این اقدامات وجود دارد و مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در این راستا تا حدودی باز دارنده عمل نموده است. نکته آخر آنکه تنازعات میان حقوق بشر و تجارت وقتی آشکارتر می‌شود که تحریم‌ها اعمال می‌گردد. با این تفاسیر بررسی ابعاد مختلف تعارض میان حقوق بین‌الملل بشر و حقوق سازمان جهانی تجارت به نظر ضروری است.

۲.۲.۱. الحاق به سازمان جهانی تجارت و نقض حقوق بین‌الملل بشر: در بدو امر به نظر می‌رسد روند الحاق به این سازمان بتواند از طرفی باعث تشویق رعایت حقوق بشر گردد، اما از طرفی دیگر کشورهای نامزد عضویت را ملزم به قبول تقاضاهای بسیار سخت گرداند. همان‌گونه که قبلاً گفته شد یک کشور تا نتواند از پس امتحانات و قبول شرایط و تقاضاهای سخت جهت الحاق به سازمان جهانی تجارت برآید، عضو این سازمان نمی‌شود.

بر اساس گزارش اکوسوک در خصوص بررسی آثار تجارت آزاد بین‌المللی بر حقوق بشر، دولت‌های عضو سازمان جهانی تجارت به منظور انجام تعهدات ناشی از عضویت در سازمان جهانی تجارت، تعهدات حقوق بشری خود را نادیده می‌گیرند در برخی مواقع این مسئله می‌تواند موقعیتی برای مدافعین حقوق بشر فراهم سازد تا بتوانند بر اموری چون شفاف‌سازی و توسعه وضعیت حقوق بشر تأکید کنند. با این همه، در برخی مواقع دیگر کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت شرایط و تقاضاهای سخت و نامناسبی را جهت الحاق کشورهای نامزد به این سازمان، تحمیل می‌کنند. کشورهایی که در حال الحاق به این سازمان هستند، می‌بایست در نخستین گام قوانین داخلی خود را مورد بررسی و تجدیدنظر قرار داده و همچنین مبادرت به اعمال اصلاحات وسیعی نمایند. به عنوان مثال مجموعه قوانین و مقررات جهت الحاق کشور چین دربرگیرنده کاهش چشمگیر عوارض گمرکی این کشور نسبت به صادرات و واردات محصولات کشاورزی است. در مورد دیگر همچنین از کشور کامبوج، به عنوان نخستین کشور کمتر توسعه‌یافته، جهت پیوستن به سازمان جهانی تجارت خواسته شد تا نرخ محصولات کشاورزی خود را کاهش دهد که این مسئله در مورد ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا و یا کانادا وجود نداشت. همچنین کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت اغلب به تعهدات خود در قبال حقوق بشر در هنگام معاهدات و مذاکرات تجاری پایبند نبوده و سهل‌انگاری می‌کنند.

۲.۲.۲. تحصیل مزایای رقابتی و نقض حقوق بین‌الملل بشر: در بسیاری از کشورهای در حال توسعه حقوق کارگران زن و حقوق کودکان نقض می‌شود، زیرا استانداردهای بین‌المللی مقرر در مقاله‌های سازمان بین‌المللی کار و دیگر اسناد حقوق بشری رعایت نمی‌شود. (Canadamir, 2012:389)، این دسته از کشورهای در حال توسعه، استانداردهای بنیادین و محوری کار مصوب سازمان بین‌المللی کار و مقرر در دیگر معاهدات حقوق بشری از قبیل شرایط کاری، حداقل دستمزد، حق تشکیل اتحادیه و حق درآمد برابر و منع کار کودک، برابری جنسیتی را تضعیف می‌کنند تا مزیت رقابتی محصولاتشان را در بازار جهانی به دست آورند. برای این دسته از کشورها، دستمزد پایین کارگران و استانداردهای منعطف کار، مزیت رقابتی را در مقیاس جهانی ایجاد می‌کند که در نتیجه آن میزان فروش بیشتری از محصولات و خدمات با هزینه‌های پایین‌تر نسبت به کشورهای توسعه‌یافته وجود خواهد داشت. از این‌رو در نتیجه این امر انگیزه برای حفظ وضعیت موجود با نقض حقوق بشر به‌ویژه تعهدات مربوط به معاهدات گوناگون حقوق بشری ارتباط پیدا می‌کند. در این فرایند، بازیگران در داخل کشورهای در حال توسعه شدیداً متأثر می‌شوند. همچنین حقوق بشر در بسیاری از موارد به دلیل شرایط کاری نامساعد مورد نقض قرار گرفته که در ادبیات سازمان جهانی تجارت شرایط کاری مزبور روش تولید و فرآوری نامیده می‌شود. مثلاً کار کودک و یا کار کارگران تحت شرایط نظیر بردگی یا بدون بهره‌مندی از حقوق بنیادین کارگران. لذا کشورهای در حال توسعه بر این عقیده‌اند که هزینه کار پایین و موازین اجتماعی پایین مزایای رقابتی آن‌ها محسوب می‌شوند و ادعای کشورهای توسعه‌یافته در مورد وضعیت حقوق بشر بهتر و معیارهای اجتماعی صرفاً اشکال مخفی حمایت‌گرایی است و هدف از آن‌ها پایین آوردن مزایای رقابتی کشورهای در حال توسعه است. چیزی که کشورهای در حال توسعه به آن نیاز دارند، توسعه اقتصادی است که منجر به درآمد بیشتر می‌شود و اثرات مطلوبی بر سطح زندگی و بهره‌مندی از حقوق بشر در این کشورها می‌شود. از نظر این کشورها تحمیل ضوابط حقوق بشری از خارج به واسطه اقدامات تجاری نه تنها وضعیت حقوق

بشری این کشورها را بهبود نمی‌بخشد بلکه موجب اختلال در آن می‌شود و رسیدن آن‌ها به اقتصاد توسعه‌یافته را به تعویق می‌اندازد. (Sajo, ۲۰۰۲: ۲۲۵).

۳. سلسله مراتب تعهدات حقوق بشری و حقوق سازمان جهانی تجارت

ارتباط قانونی قواعد تجاری و حقوق بشر از اهمیت بالایی برخوردار است. در ابتدا این سؤال اساسی به ذهن متبادر می‌شود که آیا ضوابط حقوق بشر از لحاظ اخلاقی و حقوقی در سطح بالاتری نسبت به قواعد بین‌المللی تجاری قرار دارند؟ برخی از حقوق بشر نظیر ممنوعیت شکنجه، به صورت قاعده آمره درآمده‌اند و از اهمیت بسیار بالایی قرار دارند و بر سایر قوانین حقوق بین‌الملل برتری یافته‌اند، لیکن اکثر این حقوق در حقوق بین‌الملل موجود نسبت به سایر حقوق معاهده‌ای و عرفی ارجحیتی ندارند و اصولاً نمی‌توانند آن‌ها را کنار بزنند. بنابراین به نظر می‌رسد تعارض موجود میان ضوابط حقوق بشر و اصول بنیادین حقوق تجارت را نمی‌توان با برتر شمردن حقوق بشر از میان برد، مگر در خصوص رعایت قواعد آمره که جایگاه آن‌ها در حقوق بین‌الملل تثبیت شده است (زمانی، ۱۳۷۷: ۳۱۶) از طرفی سخن از ضرورت ایجاد یک سلسله مراتب در نظام هنجاری حقوق بین‌الملل که تعهدات عام‌الشمول و قواعد آمره (Jus Cogens) در رأس آن باشد، تحولی نوین قلمداد می‌شود. لذا با ایجاد مفهوم قاعده آمره، یک سلسله مراتب هنجاری در مقررات حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. قواعدی که برای حفظ و حمایت از منافع حیاتی و ارزشهای بنیادین جامعه بین‌المللی به وجود می‌آیند، باید نسبت به دیگر قواعد از اعتباری بالاتر برخوردار باشند چراکه فی‌الواقع مبنای این قواعد شناسایی نیاز به استقرار ارزش‌ها و معیارهای مشترک و عامی است که بر حاکمیت هر کشور مقدم خواهند بود و در این راستا تنها بررسی ماهیت قواعد و دامنه شناسایی آن‌ها در جامعه بین‌المللی کشورها می‌تواند رهنمودی برای دستیابی به سطح الزام حقوقی آن قواعد باشد و در صورتی که قاعده آمره‌ای به وجود آید بر هر قاعده غیرآمره‌ای در صورت تعارض، قطع نظر از لاحق یا سابق بودن حاکم خواهد بود. طبق کنوانسیون وین،

هر موافقتنامه مغایر با قواعد آمره محکوم به ابطال است. این برتری مبتنی بر سلسله مراتب امکان می‌دهد تا در دعاوی نقض حقوق سازمان جهانی تجارت و حتی در نظام حل و فصل اختلاف آن به این قواعد استناد شود (هستر میر، ۱۳۹۰: ۳۶۴). کمیسر عالی حقوق بشر نیز در گزارش کمیسیون فرعی ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در خصوص تأثیر موافقتنامه تریپس بر حقوق بشر نیز به برتری حقوق بشر بر حقوق مالکیت فکری اشاره می‌کند. برای تبیین بیشتر ماهیت تعهدات حقوق بین‌المللی بشری به بررسی و تبیین تمایزات تعهدات عام‌الشمول و تعهدات دارای ویژگی قاعده آمره می‌پردازیم.

تعهدات عام‌الشمول (Erga Omnes) تعهداتی هستند که علاوه بر دولت‌های منفرد، دولت‌های ثالث نیز در قبال نقض آن‌ها می‌توانند با استناد به منافع جامعه بین‌المللی اقدام نمایند. تعهدات عام‌الشمول به تعهداتی اطلاق شده که مربوط به تمامی دولت‌هاست. با توجه به اهمیت حقوق مرتبط با این تعهدات، تمامی دولت‌ها در حمایت از این حقوق منفعت حقوقی دارند. این‌ها تعهدات عام‌الشمول هستند. قواعد آمره به معنای قوانین اجباری و الزام‌آور هستند و مفهوم آن به اصول یا نرم‌های اجباری بر می‌گردد که تخطی از آن‌ها اجازه داده نشده است و مبتنی بر معاهدات بین‌المللی و توافق میان دولت‌هاست که با چنین اصولی موافقت خود را اعلام نموده‌اند. قواعد آمره منافع برتر کل جامعه بین‌المللی را حفظ می‌کنند، منفعتی که تخطی از آن جایز نیست. قواعد آمره یا قواعد لازم‌الاجرا بارزترین نمونه برای اثبات وجود سلسله مراتب هنجاری هستند. برخلاف تعهدات عام‌الشمول که صرفاً به همه دولت‌ها این امکان را می‌دهد که در صورت نقض اقدام نمایند، در مورد قواعد آمره هر موافقتنامه ای که آن‌ها را نقض نماید، باطل و بلااثر می‌گردد. لذا نقض یک قاعده غیر آمره برای دولت خاطی در مقابل کشور متضرر ایجاد مسئولیت کرده و دولت خاطی نمی‌تواند از عمل خود منتفع گردد، زیرا بر عمل خلاف آن کشور از لحاظ حقوقی اثری مترتب نمی‌شود. در حالی که نقض یک قاعده آمره حتی اگر با توافق دو کشور صورت گیرد موجب بطلان ذاتی عمل مخالف آن گشته و از لحاظ اصولی مسئولیت دولت خاطی را به علت تجاوز به منافع عالی در قبال جامعه بین‌الملل

تغییر می‌دهد. قواعد آمره انعکاسی از منافع بنیادین جامعه بین‌المللی بوده و بدین لحاظ یک کشور نمی‌تواند به بهانه رضایت ندادن یا حتی مخالفت مستمر با قاعده مربوطه از تعهد به رعایت چنین قاعده‌ای معاف باشد. نکته دیگر اینکه همه قواعد آمره، عام‌الشمول هستند، اما همه تعهدات عام‌الشمول قاعده آمره محسوب نمی‌شوند. تنها قواعدی که تعهدات عام وضع می‌کنند، می‌توانند به قاعده آمره تبدیل شوند. این امر بدان معنا است که هر قاعده آمره ای لزوماً نوعی تعهد عام وضع می‌کند که تخطی از آن جایز نیست ولی هر تعهد عام‌الشمولی لزوماً قاعده آمره نبوده و می‌تواند از مجرای توافق دو تابع حقوق بین‌الملل مورد تخطی واقع شود. «قاعده آمره» حقوق بین‌الملل عام قاعده‌ای است که به وسیله کل جامعه بین‌المللی کشورها به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر، که تنها با یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام، با همان ویژگی قابل تعدیل است، تعریف شده است. بنابراین فقط مقررات حقوق بین‌الملل عام می‌توانند قاعده آمره باشند. نکته‌ای که تذکر آن در اینجا لازم است این است که در ایجاد چنین قاعده‌ای ضرورتاً نیاز نیست که حتماً تمام کشورهای عضو جامعه بین‌المللی اراده خود را در پذیرش چنین قاعده‌ای ابراز داشته باشند، بلکه اکثریتی که بتوان موضع آن‌ها را به جامعه بین‌المللی کشورها منتسب کرد، کافی است. معیاری که برای تشخیص قواعد آمره می‌توان قائل شد در این واقعیت نهفته است که آن‌ها منافع برتر کل جامعه بین‌المللی را حفظ می‌کنند، منفعتی که تخطی از آن جایز نیست. مخلص کلام آنکه اساس قواعد آمره و تعهدات بین‌المللی عام‌الشمول آن است که در اختیار هیچ‌یک از اعضای منفرد جامعه بین‌المللی نبوده و به اراده آن‌ها بستگی ندارد. تنها کافی است که اکثریت نماینده جامعه بین‌المللی آن‌ها را رعایت کند. هنجارها و تعهدات بین‌المللی مذکور ممکن است به اصول کلی حقوقی و یا حقوق عرفی تعلق داشته باشند. شایان‌ذکر است در حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت، حقوق بین‌الملل عام بیش از موازین معاهدات خارج از این سازمان مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به مواردی که پیش‌تر گفته شد، در خصوص ماهیت تعهدات حقوق بشری و تعهدات تجاری و سلسله‌مراتب هنجاری میان آن‌ها دو دیدگاه وجود دارد: یکی یکسان

پنداشتن تعهدات هر دو حوزه و دیگری برتری هنجارهای حقوق بشری بر نرم‌ها و هنجارهای تجاری.

۳.۱. یکسان پنداشتن تعهدات حقوق بشری و تعهدات تجاری: عده‌ای معتقدند که قوانین تجارت آزاد، از قبیل مقررات حاکم بر سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر هر دو بر پایه ارزشهای مشابهی بنا نهاده شده‌اند. ارزش‌های غیراقتصادی قوانین حاکم بر سازمان جهانی تجارت برای حقوق بشر و رفاه شهروندان، کم‌اهمیت‌تر از نتایج رفاه اقتصادی تجارت آزاد نیست. سازمان جهانی تجارت مانند جامعه اروپا، می‌تواند و باید نه فقط پشتیبان آژادسازی اقتصادی بلکه به طور کلی پشتیبان آزادی بشری باشد. لذا از نظر این عده حقوق بشر از نظر سلسله مراتب قواعد حقوقی برتر نیست، اما حداقل نسبت به مقررات سازمان جهانی تجارت مقبولیت بیشتری دارد با این حال نظام اجرایی قوی، مقررات سازمان جهانی تجارت را در سلسله مراتب نظام‌های حقوقی در جایگاه برتر قرار می‌دهد، تا آنجا که نهایتاً رفتار دولت‌ها تا حد زیادی با راه‌های ارائه شده توسط این سازمان تنظیم می‌شود.

۳.۲. برتری تعهدات حقوق بشری بر تعهدات تجاری: بر اساس دیدگاه دوم حقوق بشر اساساً از حقوق سازمان جهانی تجارت متمایز هستند. در حالی که حقوق سازمان جهانی تجارت جنبه کاربردی دارد و ابزاری جهت افزایش رفاه انسان است، حقوق بشر به‌خودی‌خود هدف محسوب می‌شود و سعی دارد آزادی‌ها و نیازهای اساسی انسان را بیان نماید. قواعد حقوق بین‌الملل بشر نه تنها از دیدگاه قانونی با حقوق تجارت هم‌ردیف و هم‌ارزش هستند بلکه علاوه بر این، دلایل و براهین قانونی وجود دارند که از ارجحیت و تقدم حقوق بشر بر دیگر قواعد قانونی حمایت می‌کنند. لذا از این منظر، منشور بین‌المللی حقوق بشر به عنوان تفسیر مفاد حقوق بشری منشور ملل متحد در نظر گرفته می‌شود. بر این مبنا قواعد حقوق بشر در مقایسه با سایر قواعد از موقعیتی برتر برخوردار می‌گردد. زیرا طبق ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد در صورت وجود تنازع میان تعهدات اعضاء سازمان ملل متحد بر اساس منشور و تعهدات آن‌ها بر اساس دیگر موافقتنامه‌های

بین‌المللی، تعهدات آن‌ها بر اساس منشور ملل متحد مقدم خواهد بود، در نتیجه، همان‌طور که در ماده ۱۰۳ منشور استدلال شده، تعهدات حقوق بشری یک دولت عضو ملحوظ در مواد ۵۵ و ۵۶ منشور، تفوق سلسله مراتبی بر تعهدات همان دولت بر اساس دیگر حقوق معاهداتی دارد. در حالی که بعضی‌ها استدلال می‌کنند که سازمان جهانی تجارت در بدو امر یک سازمان تجاری است که نایستی وظیفه اضافی حمایت از حقوق بشر را به آن سپرد، دیگران استدلال می‌نمایند که سازمان جهانی تجارت نه تنها مسئولیت اخلاقی بلکه مسئولیت قانونی دارد تا سیاست‌هایی اتخاذ نماید که از حقوق بشر حمایت نماید و همچنین آن را ارتقاء بخشد. لذا به نظر طرفداران این دیدگاه در بررسی وابستگی میان حقوق سازمان جهانی تجارت و حقوق بین‌الملل بشر نمی‌توان حقوق سازمان جهانی تجارت را به طریقی تفسیر نمود که با تعهدات حقوق بشر سازگار باشد. به اعتقاد ماریو بر اساس حقوق بین‌الملل، تنها حقوق بشر محدودی شناخته می‌شوند که وضعیت «هنجارهای تغییرناپذیر» حقوق بین‌الملل (قاعده آمره) را اکتساب نموده‌اند و در سلسله مراتب اعتباری بر مفاد حقوق سازمان جهانی تجارت تفوق دارند (Canadamir, 2011: 19). لذا این مفهوم که حقوق بشر در سلسله مراتب میان هنجارهای حقوق بین‌الملل از جایگاه برتری برخوردار است، امری انکارناپذیر است. گات صراحتاً امکان وجود ارزش‌ها و فرمان‌های غیرتجاری که برتر از قواعد گات باشد را به رسمیت شناخته است. (هستر میر، ۱۳۹۱: ۳۲۲).

۳.۳. التزام سازمان جهانی تجارت به رعایت حقوق بین‌الملل بشر

برای بررسی چگونگی التزام سازمان جهانی تجارت به رعایت حقوق بین‌الملل بشر ابتدا بایستی مبنای التزام سازمانهای بین‌المللی به گستره وسیع‌تر از حقوق بین‌الملل بشر یعنی حقوق بین‌الملل را مورد بررسی و تحقیق قرار داد. در این راستا لازم است به ترتیب چرایی این التزام با توجه به شخصیت حقوقی بین‌المللی این سازمان‌ها و به تبع آن مسئولیت بین‌المللی آنان به رعایت حقوق بین‌الملل و به نحو خاص در این مطالعه رعایت

حقوق بین‌الملل بشر پرداخت. سازمان‌های بین‌المللی به عنوان تابعان جدید حقوق بین‌الملل نیز بایستی الزامات و تعهدات ناشی از قواعد حقوق بین‌الملل را در حیات روابط بین‌المللی خود رعایت نمایند. بدین معنی که از تعهدات بین‌المللی نشأت گرفته از منابع حقوق بین‌الملل احصاء شده در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تخطی نمایند. به عبارتی آنان مکلف‌اند به تعهدات حقوق بین‌المللی که گاه ریشه در نظام حقوقی‌ای دارد که تابع ذی‌ربط بر اساس آن موجودیت یافته است (اعم از حقوق بین‌الملل عام و سند مؤسس سازمان) و گاه منبعث از قواعدی است که ساخته و پرداخته آن باید در کنار دیگر تابعان بین‌المللی موازین حقوق بین‌المللی را رعایت نماید. در وضعیتی که ابتدای التزام سازمان بین‌المللی سند تأسیس باشد مبنای ایجاد و تداوم حیات سازمانهای بین‌المللی در توافق اعضای سازمان ریشه دارد. از این‌رو دولت‌ها از رهگذر عمل حقوقی بین‌المللی که در سندی بین‌المللی تثبیت می‌شود اراده مشترک خود را در تأسیس نهادی بین‌المللی ابراز می‌دارند. به تعبیر دقیق‌تر سند تأسیس سازمان بین‌المللی از لحاظ شکلی میثاقی بین‌المللی و از جهت محتوا قانونی اساسی است. همچنین امروزه علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی نیز معاهدات بین‌المللی مختلفی را منعقد ساخته‌اند. اهلیت سازمانهای بین‌المللی برای عقد معاهده از شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان ناشی می‌شود و تابع مقررات آن سازمان است. نکته مهم اینکه سازمان‌های بین‌المللی به علت برخورداری از اختیارات ضمنی نیز می‌توانند به عقد معاهدات بین‌المللی مبادرت ورزند؛ یعنی اختیاراتی که برای نیل به اهداف سازمان ضروری هستند، بدین معنی که سازمان علاوه بر اختیارات مصرح در سند مؤسس، دارای اختیاراتی است که برای اجرای وظایف یا تحقق اهداف وی یا برای انجام وظایف یا اجرای اختیاراتی که صراحتاً بدان اعطاء شده ضروری یا اساسی است. در واقع «اساسی بودن» و «ضرورت» موازینی هستند که در حقوق سازمانهای بین‌المللی قلمرو اختیارات ضمنی را معین کرده و بدین‌وسیله حد و مرز معاهداتی که سازمان‌ها اختیار انعقاد آن‌ها را دارند، مشخص می‌نمایند. همچنین سازمان‌های بین‌المللی معاهدات دوجانبه و چندجانبه زیادی با

یکدیگر و با دولت‌ها منعقد کرده‌اند. بدیهی است که بر اساس اصل «وفای به عهد» سازمان‌های بین‌المللی به معاهدات منعقد شده ملتزم هستند. علاوه بر معاهداتی که سازمان‌های بین‌المللی رأساً در تنظیم آن‌ها مشارکت دارند و طرف اصلی آن‌ها محسوب می‌شوند، برخی معاهدات چندجانبه بین‌المللی نیز وجود دارند که اصولاً میان کشورها انعقاد یافته‌اند لیکن عضویت سازمان‌های بین‌المللی را نیز مجاز دانسته‌اند. نکته این است که اصولاً با انتقال اختیارات به سازمان بین‌المللی و رضایت طرف‌های ثالث ذی‌نفع، تعهدات موضوع آن اختیارات هم به سازمان منتقل می‌گردد.

از این رو دولت‌ها نمی‌توانند با انتقال اختیارات ذی‌ربط به سازمان‌های بین‌المللی خود را از قید و بند تعهدات در مقابل طرف‌های ثالث رها سازند جزء آنکه سازمان جایگزین آن‌ها در آن حقوق و تکالیف شود. همچنین در التزام سازمان‌های بین‌المللی به حقوق بین‌الملل عرفی نمی‌توان تردیدی داشت. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در مورد موافقتنامه میان مصر و سازمان جهانی بهداشت صراحتاً ابراز داشته است که سازمان‌های بین‌المللی علاوه بر اسناد مؤسس یا موافقتنامه‌های بین‌المللی به حقوق بین‌الملل عام ملتزم هستند (ICJ Report, ۱۹۸۰:۹۹). همچنین تردیدی نیست که اصول حقوقی به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل باید به واسطه عمومیت خود در مورد تمام تابعان حقوق بین‌الملل و از جمله سازمان‌های بین‌المللی قابل اعمال باشد. اصول حقوقی مغایرتی با ساختار و اهداف سازمان‌های بین‌المللی ندارند و در مورد آن‌ها نیز همانند دولت‌ها قابل اجرا هستند. مثلاً اگر سازمان بین‌المللی برای حل و فصل دعاوی اشخاص ثالث محاکمی تأسیس نمایند، ملزم هستند که اصول کلی در مورد اجرای عدالت و شیوه دادرسی را رعایت نمایند از جمله اصل «وفای به عهد» و «لزوم جبران خسارت» کما اینکه کنوانسیون ۱۹۸۶ وین در ماده ۲۶ خود اصل «وفای به عهد» را در مورد معاهدات سازمان‌های بین‌المللی قابل اعمال تلقی کرده است. از این رو اصول حقوقی سهمی مسلم و انکارناپذیر در توسعه حقوق مناسب سازمان‌های بین‌المللی نیز ایفاء می‌کنند. اصول کلی حقوقی، منظومه حقوقی غیرقابل انکاری در ارزیابی اعتبار اعمال سازمان‌های بین‌المللی به

شمار می‌روند و سازمان‌ها ملزم به رعایت آن اصول هستند و در مقابل نقض آن اصول مسئول قلمداد می‌شوند. نکته مهم اینکه اگر نگوییم تمام اصول حقوق بین‌الملل ولی دست‌کم اصول کلی مربوط به مسئولیت به نهادهای بین‌المللی تعمیم‌پذیر هستند. به نظر دکتترین و رویه بین‌المللی، اعمال یک‌جانبه سازمان‌های بین‌المللی نیز مانند اعمال یک‌جانبه دولت‌ها باید به عنوان یکی از منابع شناخته شود. نقش اعمال یک‌جانبه در ایجاد حقوق و تکالیف بین‌المللی امری پذیرفته شده است. در واقع، سازمان‌های بین‌المللی غالباً از رهگذر تصمیمات اتخاذی به برنامه‌ها و طرح‌های خود جامه عمل می‌پوشانند؛ تصمیماتی که از نظر حقوقی در عمده موارد اعمال یک‌جانبه تلقی می‌شوند، هرچند که عامل تصمیم‌گیرنده ارگانی جمعی باشد. اتخاذ تصمیمات و سایر اقداماتی که سازمان‌ها رأساً انجام می‌دهند شکل کلی اعمال یک‌جانبه سازمان‌های بین‌المللی به شمار می‌روند.

نکته حائز اهمیت در التزام سازمان‌های بین‌المللی به رعایت حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی آن‌هاست. لازم به ذکر است که مسئولیت بین‌المللی زمانی تحقق می‌یابد که دو عنصر اساسی وجود داشته باشد که اولاً نقض تعهدی صورت گرفته باشد. ثانیاً قابل انتساب بودن عمل به سازمان احراز شده باشد. در مورد رفتاری خاص، این امر باید معزز شود که نقض تعهد، نتیجه عمل خود آن تابع بوده است. اهمیت عنصر انتساب عمل به سازمان تا آنجاست که به تعبیری نقطه شروع مسئولیت زمانی است که قابلیت انتساب پایان پذیرد. اصل اساسی و نقطه شروع حرکت در این زمینه آن است که انتساب فعل یا ترک فعل به یک تابع حقوق بین‌الملل صورت پذیرد. در واقع دولت‌های عضو برای تحقق اهداف مورد نظر اختیاراتی معین به سازمان‌های بین‌المللی واگذار کرده‌اند. نتیجه آنکه سازمان‌های بین‌المللی نیز همانند دیگر موضوعات حقوق بین‌الملل، توسط قواعد حقوق بین‌الملل عام ملزم می‌شوند، مگر اینکه ماهیت این قواعد مانع اجرای آن‌ها توسط سازمان‌های بین‌المللی باشد.

با این حال در هیچ‌جای اسناد سازمان جهانی تجارت نه صراحتاً از مقررات حقوق بشر صحبت به میان آمده و نه صحبت از استانداردهای حقوق بین‌الملل عمومی در زمینه

حقوق بشر مطرح گردیده است. از آنجایی که مقررات سازمان جهانی تجارت مغایر با استانداردهای حقوق بین‌الملل عمومی در زمینه حقوق بشر نیست، بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که سازمان جهانی تجارت به طور ضمنی ملتزم به این مقررات است. لذا هرکجا که هر دو نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر از جمله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر یک وضعیت واقعی اعمال می‌شوند، دولت‌های عضو هر دو نظام بایستی اقداماتی را برای پایبندی به هر دو نظام اتخاذ نمایند. البته در صورت وجود تعارض هم سازمان جهانی تجارت در قبال استانداردهای حقوق بشر که قواعد آمره قلمداد می‌شوند، التزام دارند (هسترمیر، ۱۳۹۱: ۱۷۵) هر یک از دولت‌های عضو سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق بشر تعهداتی دارند که تا حدی به رفتار و عملکرد آنها در این سازمان‌ها تسری می‌یابد. از طرفی ۱۵۳ عضو سازمان جهانی تجارت به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوسته‌اند و تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت کنوانسیون حقوق کودک را به تصویب خود رسانده‌اند و ۱۲۹ عضو سازمان جهانی تجارت (۸۴٪ اعضا)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تصویب نموده‌اند. لذا این امر برای حقوق بین‌الملل زیان‌بخش خواهد بود. چنانچه دولت‌ها به راحتی بتوانند با ایجاد یک سازمان بین‌المللی از تعهدات حقوق بشری خود فرار نمایند و دادوستدشان از طریق سازمان مزبور هدایت نمایند. علاوه بر این سایر حوزه‌های حقوق بشر که به صورت قواعد عرفی و عام‌الشمول درآمده‌اند، تعهدات بین‌المللی محسوب می‌گردند، در نتیجه قواعد تجاری می‌بایست مطابق آن اصول و ضوابط مورد تفسیر قرار گیرد. با توجه به اینکه حقوق بشر فقط می‌تواند در تفسیر موافقتنامه‌های مربوط به سازمان جهانی تجارت به کار آید، یک عضو سازمان در صورتی که در موافقتنامه‌های مزبور مبنایی برای این دفاع موجود نباشد نمی‌تواند در دفاع مقابل دعوی نقض حقوق سازمان جهانی تجارت بر این حقوق استناد کند. علی‌رغم اینکه نظام سازمان جهانی تجارت از قدرتمندترین سازوکار اجرایی در حقوق بین‌الملل برخوردار است، لیکن سیستم حقوق بشر به نحو گسترده‌ای مبتنی بر اعمال فشار عمومی و سیاست

شرمندسازی دولت‌ها جهت اجبار آنها به متابعت از موازین حقوق بشری است. لذا در عمل مکانیسم اجرا و سازوکارهای نظارتی حقوق بین‌الملل بشر بسیار ناکارآمدتر و ضعیف‌تر از حقوق سازمان جهانی تجارت است.

۳.۴. منابع تعهدات حقوق بشری سازمان جهانی تجارت

در ظاهر امر به نظر می‌رسد تا زمانی که عبارت حقوق بشر به وضوح در اسناد سازمان جهانی تجارت داخل نگردیده، این سازمان هیچ‌گونه تعهدی نسبت به رعایت حقوق بشر و در نظر گرفتن این حقوق ندارد. (Alston، ۱۹۸۲: ۱۵۵). اما سازمان جهانی تجارت به واسطه تعهدات دولت‌های عضو از یک طرف و تعهدات خود از طرف دیگر و همچنین وجود الزامات حقوق بین‌الملل عام استلزاماتی برای رعایت حقوق بشر دارد که می‌توان به سه دسته این تعهدات را دسته‌بندی نمود:

۳.۴.۱. **تعهدات دولت‌ها در سازمان جهانی تجارت:** بر اساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها حتی وقتی که یک سازمان بین‌المللی را پایه‌گذاری می‌کنند به تعهداتشان ملزمند، به طوری که نمایندگی اختیاراتی را در آن سازمان دارا هستند. همچنین مسئولیت اقدامات اتخاذی برای اجرای تعهدات از طرف سازمان با آنهاست، لذا در بسیاری از موارد تلقی این است که دولت ملزم به رعایت هر دو دسته تعهدات تحمیلی به واسطه سازمان بین‌المللی که خود بنیان گذاشته‌اند و دیگر تعهدات تحت حقوق بین‌الملل هستند.

۳.۴.۲. **تعهدات خود سازمان جهانی تجارت:** این حقیقت که دول عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هنگامی که در سازمان جهانی تجارت عمل می‌کنند به میثاق ملزم می‌باشند، به هر حال ایجاب نمی‌کند که خود سازمان جهانی تجارت به میثاق ملزمند. بحث‌های مختلفی شده است که وقتی دولت‌ها به واسطه یک معاهده ایجادکننده سازمان بین‌المللی ملزم هستند، معاهده مزبور سازمان را نیز ملزم می‌نماید. به لحاظ منطقی این نتیجه از اصل «هیچ‌کس نمی‌تواند حقوقی بیشتر از آنچه خود دارد به دیگران منتقل نمایند»، حاصل می‌شود. بدین معنی که دولت‌ها صلاحیتشان را با تصویب یک معاهده محدود می‌نمایند و وقتی آنها صلاحیتشان را انتقال می‌دهند تنها می‌توانند

در چارچوب محدودیتشان عمل نمایند که شباهت به جانشینی دولت‌ها دارد. این استدلال در مورد اتحادیه اروپا می‌تواند مورد حمایت قرار گیرد که دکترین «جانشینی کارکردی» معاهدات را به کار می‌گیرند. به هر حال این وضعیت نیز نمی‌تواند این موضوع را مورد توجه قرار دهد که سازمانهای بین‌المللی خودشان با حقوق و تعهداتشان تابع حقوق بین‌الملل هستند و خودشان توانایی ورود به معاهدات را دارند حداقل در حوزه‌هایی که بر اساس اسناد بنیادین خود صلاحیت دارند. دولت‌ها وظیفه دارند یک سازمان بین‌المللی ایجاد نمایند به نحوی که تعهدات آن‌ها را نقض ننمایند. به هر حال سازمانهای مزبور به طور خودکار عهده‌دار همه تعهدات دولت‌هایی که آن‌ها را بنیان گذاشته‌اند نیستند، بلکه عهده‌دار تعهداتشان (هر تعهدی که بر اساس قواعد عام حقوق بین‌الملل یا مطابق اساسنامه‌شان یا بر اساس موافقتنامه‌های بین‌المللی که در آن عضویت دارند به عهده آن‌ها گذاشته شده است)، هستند. از این‌رو سازمان جهانی تجارت به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملزم نیست زیرا عضو طرف قرارداد میثاق نیست. لیکن تعهد این سازمان در قبال حقوق بشر عمدتاً به واسطه عدم مداخله و رعایت شرایط موجود محقق می‌شود. به عبارتی تعهدات سازمان جهانی تجارت نمی‌تواند هم‌تراز با تعهدات حقوق بشری دولت‌ها مبنی بر رعایت، حمایت و اجرا باشد. خصیصه منفی بودن تعهدات سازمان جهانی تجارت اقتضاء می‌کند که این نهاد، سیاست‌ها و خط مشی‌هایی را به اجرا نگذارد که موجبات نقض موازین حقوق بین‌الملل بشر را فراهم آورد. به عبارتی دیگر سیاست‌ها و خط مشی‌هایی را اعلام و اجرا ننمایند که موجبات نقض حقوق بشر را فراهم آورد، بدین معنی که در سیاست‌ها و خط مشی‌های خود همواره باید تعهد به احتیاط داشته باشند (فیروزمندی، ۱۳۹۱: ۱۵۶). یعنی با ایجاد سازوکاری مناسب آثار حقوق بشری سیاست‌ها و خط مشی‌های خود را قبل و بعد از اعلام و اجرا ارزیابی نماید که اکنون فاقد این سازوکار است.

۳.۴.۳. تعهدات سازمان جهانی تجارت بر اساس حقوق بین‌الملل عام: این حقیقت که سازمان جهانی تجارت به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملزم

نیست به هر حال ایجاب نمی‌کند که سازمان جهانی تجارت بتواند سند مزبور را در کلیت نادیده گیرد. سازمان‌های بین‌المللی به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل، به حقوق بین‌الملل عام ملزم‌اند و به میزانی که تعهدات میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اصول عام یا حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل می‌دهند، سازمان جهانی تجارت را ملزم می‌کند. دبیرخانه سازمان جهانی تجارت، تعهدات حقوق بشری سازمان جهانی تجارت را بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت می‌شناسد. این بیانیه اعلام رسمی است. به هر حال غالب حقوق بین‌الملل وضعی است و دولت‌ها در خروج از قرارداد آزاد هستند. استثنای این قاعده هنجارهای قواعد آمره است. دولت‌ها بدین ترتیب با تصویب موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت به طور تلویحی از تعهد به استانداردهای حقوق بشری تحت حقوق بین‌الملل عام که با حقوق سازمان جهانی تجارت در تعارض است، تا آنجا که استانداردهای حقوق بشری قاعده آمره نیستند، خارج هستند.

نتیجه اینکه این تحلیل نشان می‌دهد که دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ملزم به میثاق هستند. همچنین وقتی که در حوزه سازمان جهانی تجارت اقدام می‌کنند به میثاق ملزم هستند نه اینکه خود سازمان جهانی تجارت ملزم به میثاق باشد. سازمان جهانی تجارت به هر حال تا آنجائی که اعضاء از تعهدات قراردادی آن خارج نشده‌اند، تابع حقوق بین‌الملل عام است. در چارچوب حقوقی سازمان جهانی تجارت، اصلی‌ترین اصل برای اقدامات حقوق بشری، اصل عدم تبعیض است که در همه موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت ملحوظ است و دارای دو مؤلفه رفتار دولت کامله الوداد و رفتار ملی است که در بخش نخست به طور مفصل به آن پرداخته شد.

۵. راهکارهای پیشنهادی برای رعایت حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت

دیدگاه‌های مختلف برای حل مسئله حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت منجر به راه حل‌های مختلفی شده است. یک راه حل تقویت ارکان نظارتی حقوق بشر سازمان ملل متحد است. راه حل دیگر مدافع توسعه یک رهیافت حقوق بشری به سازمان جهانی

تجارت است؛ بدین معنی که با پیشنهاد اصلاحاتی از جمله طیفی از ادغام یک شرط اجتماعی در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت گرفته تا تغییر در اهداف سازمان جهانی تجارت با محور حقوق بشر را در بر می‌گیرد.

مطالعات نشان می‌دهد که سازمان جهانی تجارت می‌بایست تا حد بیشتری پذیرای آثار اقداماتش در روند به جریان انداختن حقوق بشر باشد. از این رو دولت‌های عضو سازمان جهانی تجارت می‌بایست تضمین نمایند که تعهدات حقوق بشری آن‌ها انجام یافته و از آنجایی که سازمان جهانی تجارت یک سازمان متکی بر اعضاء است این مسئله بر عهده دولت‌های عضو است تا تضمین نمایند که تصمیمات سازمان جهانی تجارت و قواعد آن، آثار منفی بر وضعیت حقوق بشر در دولت‌های عضو سازمان جهانی تجارت ندارد. لذا به نظر می‌رسد که راه حل اصلی برای تضمین رعایت ضوابط حقوق بشر از طریق گزارش دولتی و نظارت است. نکته حائز اهمیت اینکه «سازوکار بررسی سیاست تجاری» موجود نیز می‌تواند نقش مؤثری در ارزیابی آثار حقوق بشری مقررات تجاری داشته باشد. این مهم از طریق ادغام آثار حقوق بشری قوانین تجاری در گزارش‌های دولت‌ها در خصوص سیاست تجاری امکان‌پذیر است. سازمان بررسی سیاست تجاری می‌تواند بررسی نماید که چگونه سیاست‌های تجاری ملی می‌توانند منجر به ایجاد یک نظام تجاری منصفانه و شفاف گردند و به‌ویژه هماهنگی آن قوانین تجاری با معیار توسعه پایدار و ارتقاء سطح معیار زندگی را مورد ملاحظه قرار دهد. یکی از راه‌های دیگر برای بهبود وضعیت حقوق بشر می‌تواند ایجاد انگیزه‌های تجاری باشد. این روش سالهاست که در اتحادیه اروپا و ایالات متحده انجام شده است. در این شیوه به طور کلی مزایای تجاری برای ارتقاء حقوق بشر به کشورها داده می‌شود و یا اینکه برنامه‌هایی ویژه و جهت‌دار برای اعمال جنبه‌های خاصی از حقوق بشر پیشنهاد و ارائه می‌گردد. در این روش بهبود وضعیت حقوق بشر از طریق اقدامات فهری صورت نمی‌پذیرد، بلکه از طریق اجابت داوطلبانه و با ارائه مزایای تجاری به صورت پاداش این مهم میسر می‌گردد.

به نظر می‌رسد در مقابل اعمال محدودیت‌های تجاری، ایجاد انگیزه‌های تجاری دارای جنبه‌های مثبتی باشد، زیرا انگیزه‌های تجاری موجب نقض حاکمیت دولت دیگری نمی‌شود و مداخله در امور داخلی محسوب نمی‌گردد. ثانیاً انگیزه‌های تجاری در مقایسه با تحریم‌های تجاری از این قابلیت برخوردارند که نیازهای افراد جامعه را بهتر مورد هدف قرار دهند. از طرفی برنامه‌های کمک‌های فنی نیز می‌تواند ملاحظات حقوق بشری را در فرایند شکل‌گیری خط‌مشی‌ها و قانون‌گذاری‌های تجاری داخل نمایند. همچنین از طریق نظام بررسی سیاست تجاری می‌توان برآوردهای لازم را برای کشورهای خاص صورت داد.

۶. نتیجه‌گیری

نتیجه اینکه سازمان جهانی تجارت به منظور تعیین ضوابط حقوق بشری قابل اجرا و همچنین برای نظارت بر اجرای تعهدات حقوق بشری و به جریان انداختن حقوق بشر در فعالیت‌هایش، نیازمند اطلاعات و روش‌های نهادهای مرتبط سازمان ملل نظیر سازمانهای حقوق بشری سازمان ملل و یا سازمان بین‌المللی کار است. فلذا به نظر می‌رسد سازمان جهانی تجارت جایگاه مناسبی برای رسیدگی به کاستی‌های حقوق بشری نیست و باید ارگانهای تخصصی حقوق بشر به مسائل حقوق بشری بپردازند. از این‌رو همکاری سازمان جهانی تجارت با سایر سازمانهای بین‌المللی به منظور جریان انداختن حقوق بشر در فعالیت‌هایش ضروری بوده و حمایت مؤثر سازمانهای حقوق بشری را می‌طلبد. قاعده سازی و نظارت بر اجرا یکی از وظایف اصلی ارگانهای حقوق بشری سازمان ملل متحد و علی‌الخصوص سازمان بین‌المللی کار است. برای هر معاهده‌ای در رابطه با حقوق بشر یک ارگان و نهادی وجود دارد که به تفسیر و شرح می‌پردازد و شکایت‌های شخصی را مطرح می‌سازد. با این حال سازمانهای غیردولتی حامی حقوق بشر نیز می‌توانند با مشارکت مستقیم در سازوکارهای سازمان جهانی تجارت با تخصصی کردن مباحث مربوط به تجارت جهانی، بهترین استفاده و بهره‌برداری

را از صلاحیت‌ها و موقعیت‌های مناسب در چارچوب سازمان تجارت جهانی ببرند. با اینکه در سازمان جهانی تجارت همه چیز شفاف نیست؛ با این حال مدافعین ماهر و زبردست حقوق بشر می‌توانند با پی‌گیری مستمر مذاکرات تجاری در قالب سازمان جهانی تجارت و کسب اطلاعات تکمیلی به اهداف مورد نظر خود دست یابند. لذا برای برون رفت از وضعیت موجود پیشنهاد می‌گردد تا قیود حقوق بشری در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت به‌ویژه موافقتنامه تأسیس و تفاهم‌نامه حل و فصل اختلاف لحاظ گردد، یا موافقتنامه‌های مزبور با اضافه کردن ماده یا موادی تحت عنوان ارتباط موافقتنامه‌های مزبور با معاهدات حقوق بشری، اصلاح گردد و یا با تدوین موافقتنامه‌های جدیدی تحت عنوان محدودیت‌ها و استثنائات، کلیه استثنائات حقوق بشری در موافقتنامه‌های مستقل در چارچوب حقوق سازمان جهانی تجارت دیده شود. بدیهی است سازمان جهانی تجارت در بیانیه‌های رسمی خود بایستی موازین حقوق بشری را به رسمیت شناخته و لزوماً بر احترام و حمایت از استانداردهای جهان‌شمول آن صحه بگذارد. دوم اینکه در کلیه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی و اعلامی ملاحظات حقوق بشری را مدنظر قرار دهد و سازوکار مستقل و مناسب جهت ارزیابی آثار حقوق بشری این سیاست‌ها ایجاد یا مشخص نماید. سوم اینکه در سازوکار حل و فصل اختلاف ضمن اصلاح تفاهم‌نامه حل و فصل اختلاف و قید برتری هنجاری قواعد حقوق بشر بر قواعد تجاری ملاحظات حقوق بشری را در رسیدگی‌های مربوطه مدنظر قرار دهد. چهارم اینکه ضمن گسترش تعاملات خود با نهادهای حقوق بشری سازمان ملل از ظرفیت‌های ملل متحد نیز بهره‌مند گردد.

منابع

الف. فارسی

اس. پیس، کلی - کیت (۱۳۸۷) سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه: حسین شریفی طراز
کوهی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

استیگل تیز، جوزف (۱۳۸۴)، **جهانی سازی و مسائل آن**، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی

امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۷۴)، «محیط زیست در حقوق بین الملل: حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۵. (صفحات ۳۲۳ تا ۴۳۶) ایده آسیبورن و دیگران (۱۳۸۹)، **حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی**، ترجمه اردشیر امیر ارجمند، تهران: انتشارات مجد.

باقری محمود و سایرین (۱۳۸۸)، **اجرای اصل آزادسازی تجاری در سازمان جهانی تجارت: چالش ها و فرصت ها**، پژوهش حقوق و سیاست، سال یازدهم، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ ویژه نامه WTO. (صفحات ۱۰-۳۰)

پترزمن، ارنست آریچ (۱۳۸۲)، «حقوق سازمان جهانی تجارت، و حقوق بشر»، ترجمه محمود جلالی، **نامه مفید**، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، شماره ۴۰ (صفحات ۱۵۲-۱۷۹) تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶)، **حقوق بشر**، ترجمه و نگارش حسین شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان.

حسینقلی رستم زاده (۱۳۸۴)، «جامعه بین المللی و تعهدات بین المللی» *erga omnes*: **مجله حقوقی**، تهران، مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۲۳. (صفحات ۹-۷۱)

راعی، مسعود (۱۳۸۱)، **قابلیت اجرای طرح ۲۰۰۱ مسئولیت دولت ها در حوزه قواعد حقوق بشری**، فصلنامه حقوق، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱. (صفحات ۳۴-۵۶)

رضایی، محمدتقی (۱۳۹۰)، **نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت**، تهران: نشر میزان. زمانی، سید قاسم (۱۳۷۷)، «جایگاه قواعد آمره در میان منابع حقوق بین الملل»، **مجله حقوقی**، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۲.

زمانی، قاسم (۱۳۸۸)، **حقوق سازمانهای بین المللی: شخصیت، مسئولیت، مصونیت**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش

سید فاطمی، سید محمد قاری (۱۳۸۸)، **حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم: جستارهای تحلیلی از حقا و آزادی‌ها**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی

شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۸۰)، **حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها)**، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۰)، **حقوق بشر ارزش‌ها و واقعیت‌ها**، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۹)، **حقوق تجارت بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت. صادقی، محسن (۱۳۸۸)، **حمایت از اختراعات دارویی و چالش‌های حقوق بشری آن، فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.

عسکری، آریا (۱۳۸۷)، **رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر در عرصه تجارت جهانی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

فیروزمندی، فراز (۱۳۹۱)، **بانک جهانی و حقوق بشر: فرصت‌ها و چالش‌های فرارو از منظر حقوق بین‌الملل**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول.

کانال فورگس، اریک (۱۳۸۷)، **حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت**، بهزاد ساعدی بناب، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

نامداری، الهام (۱۳۹۰)، «**کاستی‌های حقوق بشری سازمان جهانی تجارت**»، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ولی، علی (۱۳۷۷)، «**بررسی اسناد، نهادها و سازوکارهای بین‌المللی دفاع از حقوق بشر**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه شیراز.

هولگر، هسترمیر (۱۳۹۱)، **حقوق بشر و سازمان جهانی تجارت: اختراعات و دسترسی به دارو**، (ترجمه: هاله و حوریه حسینی اکبر نژاد)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

ب. انگلیسی

- Baughen, Simon (2007), **International Trade and the Protection of the Environment**, Routledge Cavendish, Taylor & Francis Group.
- .D.Mitchell, Andrew (2010), **legal principles in WTO Disputes**, Cambridge studies in international and comparative law.
- .H.Jakson, John (1997), **The World Trading System: Law and Policy of International Economic Relations**, 2ed Edition, The MIT press.
- Van den bosschet, Peter, (2010), **The Law and policy of the world trade organization: Text, Cases and Materials**, Cambridge University press.
- Andrew T. Guzman, (2002) "**Global Governance and the WTO**", UC Berkeley School of Law, Research Paper No. 89, available at:
http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id
- Ernest-ulrich Petersmann, (1991) "**Constitutional Functions and Constitutional Problems of International Economic Laws**", Fribourg: University Press Fribourg.
- Gudrun Monika Zagel, (2005) "**WTO&Human Rights: Examining Linkages and Suggesting Convergence**", **IDLO Voice of Development**, Jurists Paper Series Vol. 2. No. 2, 2005.
- Holger P. Hestermeyer, (2012) "**Economic, Social and Cultural Rights in the World Trade Organization: Legal Aspects and Reality**", Available at:
www.boletinderecho.udp.cl/docs/PaperHestermeyer.pdf.

- James Harrison, (2008), "**The Human Rights Impact of the World Trade Organization**", EC Measures, Portland: Hart Publishing, Vol. 18 No. 4 (April, 2008)
- Lamy, pascal, (2007) "**The Place of the Wto and It's Law in the International Order**".European Journal of International Law, vol.17, No.5, 2007
- R howse, (2002) "**human rights in the WTO: whose rights, what humanity?**" **Comment on petersmann**", (2002) EJIL.
- Report of the High Commissioner, Economic, Social and Cultural Rights: Liberalization of Trade in Services and Human Rights, E/CN.4/Sub.2/2002/9, Available at: http://www.iatp.org/files/Economic_Social_and_Cultural_Rights_Liberaliza.html
- Robert Howse, (1999) "**The World Trade Organization and the Protection of Workers Rights**", The Journal of Small and Emerging Business Law, Summer, 1999, vol 3, Available at: <http://worldtradelaw.net/articles/howseworkers.pdf>.
- UN General Assembly, Universal Declaration of Human Rights, 10 December 1948, 217 A (III), available at: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3ae6b3712c.html>
- UN General Assembly, Vienna Declaration and Programme of Action, 12 July 1993, A/CONF.157/23, available available at: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3ae6b39ec.html>
- United Nations High Commissioner for Human Rights, **Globalization and its impact on the full enjoyment of human rights**, Commission on Human Rights resolution 2002/22, April 2002